

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical	تاریخی
------------	--------

یادداشت:

ضمن آنکه تشریف آوری آقای "ذاکر جلالی" را به پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" از صمیم قلب شادباش می گوئیم و امید بر آن داریم تا همکاری های شان را با ما برای همیشه ادامه دهند، از موضع یک نهاد افغان با صراحت اعلام می داریم که از دید ما نه ۶ جدی ۵۸ و نه هم ۷ اکتبر ۲۰۰۱، هیچ کدام اشتباه نبوده، بلکه جنایتیست آشکار که آگاهانه در حق یک ملت مظلوم اعمال می گردد.

با کمال محبت

اداره پورتال AA-AA

نویسنده: ذاکر جلالی

۱۰/۱۲/۲۷

## ۶ جدی، اشتباهی که باز هم تکرار شد!

هنگام جنگ دوم جهانی، جهان چند قطبی به چند نیروی متخاصم، کشورهای محور و متحدین تقسیم گردیده بود. پس از جنگ ویرانکن شش ساله، نیروهای محور به شکست مواجه شدند. چون جنگ دوم جهانی در اروپا به وقوع پیوست، کشورهای متحد در اروپا با وجود اینکه پیروز بودند با خسارات زیادی مواجه شدند. ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی دو کشور نیرومندی بودند که پس از جنگ دوم جهانی به مثابه دو قدرت مطرح، عرض اندام نمودند. اینگونه جهان دارای قدرتهای مختلف به دو قطب متضاد، شوروی سوسیالیست و امریکای کاپیتالیست تقسیم شد.

پس از جنگ دوم جهانی در سال ۱۹۴۵م جنگ سرد میان اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا آغاز گردید. اتحاد شوروی سیاست گسترش کمونیسم را در پیش گرفت، در مقابل، ایالات متحده سیاست محاصره شوروی را روی دست گرفت. آمریکا میکوشید از گسترش کمونیسم به سوی اروپای شرقی، شرق میانه و جنوب شرق آسیا جلوگیری نماید. زیرا کشورهای اروپای شرقی قبلاً تحت تسلط شوروی بودند، در کشورهای شرق میانه نیز کشورهای هوادار کمونیست مانند عراق و سوریه وجود داشت و در جنوب شرق آسیا نیز جنبشهای کمونیستی آغاز به بغاوت نموده بودند، مخصوصاً در ویتنام، کمبودیا و اندونزی.

تا اواخر دهه هفتاد اتحاد شوروی در برابر امریکا دست بالا داشت. ولی اتحاد شوروی به تاریخ (۶ جدی ۱۳۵۸ خورشیدی برابر با ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹م) خلاف تمامی قوانین بین المللی به افغانستان یورش برد. هرچند، حمله بر افغانستان از ستراتیژی دراز مدت اتحاد شوروی پنداشته میشد ولی یکی از عللی که میتوان یاد کرد اینست که شورویها از طرف شاخه پرچم حزب خلق افغانستان به حمله بر افغانستان تشویق میشدند زیرا اکثریت

ر هیران پرچمی توسط رفقای خلقی شان حتی از سفارتها نیز سبکدوش گردیده بودند و تقریباً به حاشیه رانده شده بودند.

علل دیگر تهاجم شوروی بر افغانستان که توسط عده ای از مؤرخین و تحلیلگران نگاشته شده اند اینست که، شورویها خواب اشغال جنوب آسیا را در مخیله شان می پروراندند و این یک علت عام است که همیشه گفته شده است. از طرف دیگر شورویها میتوانستند با اشغال افغانستان از انتقال افکار انقلابی ایران - که انقلاب امام خمینی تازه به وقوع پیوسته بود- به کشورهای آسیای میانه جلوگیری نماید و از جانب دیگر در اواخر سال ۱۹۷۹م مجاهدین تا نزدیکیهای شهر کابل رسیده بودند. یعنی سقوط حکومت حفیظ الله امین توسط اسلامگراها در آینده نزدیک پیشبینی میشد؛ پس شوروی میخواست از طریق اشغال افغانستان از شکست زود هنگام حکومت امین جلوگیری نماید. به هر صورت این گونه تحلیلها و تبصره ها ادامه دارند اینکه هدف عمده اتحاد شوروی از اشغال افغانستان چه بود تا ایندم معما است.

اشغال افغانستان توسط شوروی تقریباً به تمام جهان خبری نا خوشایندی بود. جیمی کارتر، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در واکنش به اشغال افغانستان گفت که آمریکا گسترش شوروی به سوی جنوب آسیا را تحمل نخواهد کرد. از واکنش آمریکا به سادگی بر میاید که افغانستان را از دست داده می پنداشت. از واکنش آمریکا میتوان نظر بقیه کشورهای را نیز درک کرد چون آمریکا یگانه ابرقدرت و رقیب شوروی بود. بناءً به اصطلاح چشم امید تمامی کشورهای ضد شوروی به سوی آمریکا بود.

با اشغال افغانستان، مجاهدین با سلاحهای دست داشته شان ولی با ایمان راسخ به الله (جل جلاله) و دفاع از افغانستان و نوامیس ملی در برابر مدرنترین تکنولوژی شوروی ایستادگی نمودند. حتی آمریکا پیش بینی نمیتوانست که روزی فراهواد رسید که شورویها افغانستان را ترک گویند.

اولین کشوری که به کمک مجاهدین شتافت پاکستان بود. زیرا خطر گسترش کمونیسم بیشتر از هر کشور دیگری پاکستان را تهدید مینمود. و از جانب دیگر پاکستان در تعاملات بین المللی دوست ستراتیژیک آمریکا بود. دخول پاکستان در پکنهای سیتو و سنتو مبین دوستی ستراتیژیک پاکستان و آمریکا است. پس از پاکستان، کشورهای خلیج و سرانجام آمریکا و بقیه کشورهای حاضر به همکاری مالی و تسلیحاتی با مجاهدین شدند. عده ای، مخصوصاً کمونیستها استدلال مینمایند که ایشان توسط شوروی حمایت میشدند و مجاهدین توسط آمریکا پس میان شان فرقی وجود ندارد! در حالیکه کمک آمریکا با مجاهدین و همکاری روسها با کمونیستها با هم فرق دارند. روسها عملاً افغانستان را اشغال نموده بودند و کمونیستها دست پروردگان فکری روسها بودند. ولی مجاهدین با وجود اختلافات زیاد دینی و فکری، فقط منافع محدود مشترک سیاسی که همانا شکست شوروی بود، از آمریکا کمک دریافت می نمودند. نیروهای شوروی ده سال مصروف جنگ فرسایشی علیه ملت مسلمان افغانستان بودند. جنگی که بیش از یک و نیم ملیون انسان را به کام مرگ کشانید و کشور را دهه ها و حتی صدها سال از سیر طبیعی پیشرفت و ترقی به عقب افگند. شوروی فقط در جهان شکست خورد و رؤیاهای هژمونیک اش را برای ابد فراموش کرد ولی افغانها از حق زندگی در وطن شان برای سالها محروم شدند. جنگ شوروی جنگهای مخربتر و تباهن تری را در عقب داشت. جنگهایی که نه تنها خسارات مالی با خود داشت بلکه شیرازه وحدت ملی و تمامیت ارضی و ... را به تهدید مواجه ساخت. شش جدی، به مثابه روز سیاهی ثبت تاریخ کشور ما شده است که تا نسلهای بعدی افغانها از آن درس آزادی و حماسه آفرینی گیرند که چگونه آباء و اجداد شان از دین، وطن و نوامیس ملی شان با جان و خون شان حراست نمودند. شش جدی روزیست که برای ملتهای آزادی دوست، درس آزادی میدهد هرچند برای ما افغانها

روزیست که درد و رنج و مصیبت‌های ما را دوباره زنده می‌سازد. شش جدی برای ابر قدرتها نیز تهی از اهمیت نیست. این روز می‌رساند که ابرقدرتها نباید در برابر تکنولوژی شان عزم و اراده آهنین یک ملت آزادی خواه را نادیده گیرند. ولی از فراین چنین بر می آید که چشم ابرقدرتها را سلاحهای مدرن کور ساخته است. شش جدی اشتباهی است که باز هم فقط دو دهه بعد تکرار میشود. توسط کسی تجربه میشود که خود شاهد شکست رقیبش بود. کشوری که طبیعت آزادیخواهانه و اشغال ناپذیر افغانها را بهتر میدانست. درست گفته اند که "تاریخ تکرار میشود".

اینک ایالات متحده آمریکا نیز به عین مصاف شناخت که اتحاد جماهیر شوروی پیشین دو دهه قبل در آن به شکست فضیحت باری مواجه گردید. آمریکا در ماه اکتوبر سال ۲۰۰۱م به افغانستان تجاوز نمود. ابرقدرتها هنگام ارتکاب همچو جنایات نمیتوانند آینده را نگاه نمایند، طوریکه قبلاً یادآوری نمودیم هنگام تجاوز چشم هایشان کور میشوند و جز آینده ایدالیستیک شان چیزی دیگر را نمی بینند. چون جنرالهای نظامی روسیه از افغانستان درس عبرت گرفته اند و در این اواخر نخست وزیر روسیه، ولادیمیر پوتین گفت که روسیه باز "غلطی" گذشته اش را تکرار نمیکند. هنگام تجاوز آمریکا نیز فقط جنرالهای نظامی روسیه به امریکائیا هوشدار میدادند که نباید افغانستان را دست کم تلقی نمایند. مگر درست پس از یک دهه امریکائیا نیز به نحوی از انحاء به شکست شان در افغانستان اعتراف میکنند. نماینده ویژه اوباما در امور پاکستان و افغانستان، ریچارد هالبروک در واپسین رمق حیاتش خواستار پایان جنگ افغانستان شد. معاون اوباما جو بایدن گفت که آمریکا تا آخر سال ۲۰۱۴م به طور مکمل افغانستان را ترک خواهد گفت. خروج آمریکا از افغانستان امروزه تا حد کافی معلوم است. اینکه پس از خروج آمریکا چه واقع میشود، سؤالیست که آینده افغانستان به آن پاسخ آرائه خواهد کرد.